



سردرگمی و انفعال مقامات سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی
نسبت به انفجار هشدار آمیز در نزدیکی نیروگاه هسته‌ای دیمونا

کارما

ساعت یک و ۲۰ دقیقه بامداد پنجشنبه یک موشک «اس ۲۰۰» با کلاهک جنگی ۲۰۰ کیلوگرمی

به حوالی نیروگاه هسته‌ای دیمونا اصابت کرد

صهیونیست‌ها نسبت به ناتوانی سامانه‌های دفاعی خود

در رهگیری این موشک در شوک به سر می‌برند



جانشین جدید فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران خطاب به صهیونیست‌ها:

کنار تمام مقرهای تان در جای جای کره خاکی قرار داریم

ایند پیدندت: موشک سوری که در نزدیکی

سایت هسته‌ای اسرائیل فرود آمد، ثابت می‌کند

اسرائیل در لحظه حساس آسیب‌پذیر است

صفحات ۲ و ۳

تیتراهای امروز

مرغ یک پا دارد

روحانی درباره دلایل گرانی مرغ و تخم‌مرغ
نیز پای تحریم‌ها را به میان آورد

مرغداران: مشکل از مدیریت است



صفحه ۳

گفت‌وگوی «وطن امروز» با هوشنگ جاوید
پژوهشگر موسیقی آیینی

موسیقی رمضان در مرز فراموشی

صفحه ۸

تعداد کل قربانیان ۶۸۷۴۶ نفر

۳۸۰

طی ۲۴ ساعت ۳۸۰ نفر از هموطنان
بر اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست دادند

همه امیدوار به واکسن داخلی

با توجه به فرآیند و کمیت واردات واکسن، امیدها
به تولید انبوه واکسن داخلی معطوف شده است

صفحه ۴

نگاه

تک تیراندازهای سر نوشت‌ساز

مهدی طاهرخانی: پس از
پریدن جام از دست پرسپولیس
مقابل کاشیما، مطلبی نوشتیم
که بعضی به ناحق آن را توجیه
دانستند



همه داستان این است؛ نقش تک ستاره‌های
چند میلیون یورویی رقبای آسیایی ما در
بزرگ‌های بزرگ نمایان می‌شود. چهارشنبه شب
مایکل اولونگا یک تنه همه داشته‌های استقلال
را بر باد داد، آیا واقعا نتیجه عادلانه بود؟ شاگردان
مجدیدی در نیمه دوم به واسطه عملکرد بسیار بد
زوج علی کریمی و کریم بوضیاف در میانه میدان،
چنان بر میدان مسلط شدند که گویی حریف یک
تیم متوسط است، به زحمت کار را به تساوی
کشاندند اما همانی که نباید، رخ داد. هواداران
آبی نشسته دیل دریل دیدنی مهدی قائدی روی
بازیکن شماره ۷ الدحیل بودند که ناگهان همان
بازیکن تحقیر شده، پس گل چهارم را داد و تمام.
اولونگای کنیایی فرق بزرگ استقلال و الدحیل
بود، بی‌هیچ توجیه و بهانه‌جویی این واقعیت فوتبال
ماست؛ حتی اگر تیم‌های ما بر حریفان خود مسلط
شوند، حتی اگر مالک توپ و میدان شوند، حتی اگر
کار را به تساوی بکشاندند باز یک تک‌ستاره خارجی
می‌آید و همه چیز را به نفع آنها به هم می‌زند.
پرسپولیس چرا؟ فینال لیگ قهرمانان آسیا را آغاز
کرد؟ حقیقتا روی کاغذ و روی زمین آیا آن کاشیما
از السد در همان سال قوی‌تر بود؟ آیا اولسان در حد
و اندازه‌های النصر سعودی بود؟ پرسپولیس همه
غول‌ها را پشت سر گذاشت اما همیشه در مرحله
آخر یک خارجی گران‌قیمت می‌آید و همه چیز را
خراب می‌کند. در روزی که علی علیپور از فاصله ۳
متری نتوانست دروازه کاشیما را باز کند، ۲ بازیکن
برزنبلی تیم زاپنی آمدند و فرق را نمایان ساختند؛
لئو سیلوا و سرجینیو که رقم قراردادشان روی هم
رفته از همه بازیکنان پرسپولیس بیشتر بود تفاوت
را رقم زدند. آن روز آن جام برید چون تفاوت را
همین جزئیات رقم می‌زند. در فینال دوم باز هم یک
برزنبلی گران‌قیمت دیگر کل هموطنانش را این بار در
لباس اولسان تکرار کرد. احمد نور و شیری هدیه را
فرستادند و نگرانو باز نکرده قبول کرد و حسرت را
به دل میلیون‌ها پرسپولیسی گذاشت.

آن شب نوشتیم مادامی که رقبای ما چنین
بازیکنان خوب و باکیفیتی داشته باشند با
وجود برتری و مالکیت توپ بهتر و بیشتر باز هم
قربانی می‌شویم، نه اینکه لزوما این قانون ابدی
و همیشگی باشد اما دست‌کم تا امروز بی‌کم
و کاست اجرا شده و ما ضرر دیده این موضوع
هستیم. حالا باز گردیم به استقلال، آیا آنها
مستحق دریافت ۴ گل بودند؟

ادامه در صفحه ۶

«نه» به احیای جسم برجام

۱- در ۹۴ بخشی از مردم به جریان غربگرا و گشایش
از بیرون امیدوار بودند ولی در ۱۴۰۰ آبروی جریان
غربگرا نزد قاطبه مردم از بین رفته و ناکارآمدی آنها
نه در بیان و استدلال که سر سفره مردم نمایان شده
و تجربه زیسته به مردم می‌گوید راه‌حل مشکلات در
بیرون از مرزها نیست.

۲- در ۹۴، دولت غربگرای روحانی در ابتدای عمر
خویش قرار داشت و فرصتی چندین ساله برای هر
گونه اقدامی ولی در ۱۴۰۰ این دولت در انتهای عمر
خویش قرار دارد.

۳- در ۹۴ بخشی از نهادهای نظام از جنس مجلس
لاریجانی بودند و در ۱۴۰۰ مجلس انقلابی، قوه قضائیه
انقلابی، ستاد کل انقلابی و... کما اینکه جریان انقلاب به
دلایل متعدد از جمله خون‌شهادتی همچون حاج‌قاسم
سلیمانی بسیار قدرت گرفته و محبوبیت مردمی‌اش
بیشتر شده است.

۴- در ۹۴ ادعاهای جریان غربگرا برای بسیاری، باورپذیر
و عقلائی جلوه می‌نمود ولی در ۱۴۰۰ شدت دروغ‌گویی
این جریان برای بسیاری عیان شده است.

۵- و اما رهبری، هم در ۹۴ و هم در ۱۴۰۰ پایبند
به آرمان‌ها و منافع مردم بودند و هستند با این تفاوت
که در ۹۴ برای کمک به فهم و تجربه مردم نسبت به
ماهیت استکباری آمریکا، پذیرش برجامی با حداقل
خسارت و حداکثر منفعت را تجویز می‌کردند و با توجه
به خواست مردم و خواص در ۹۴ با ۹ شرط و ۹ خط
قرمز - که اغلب رعایت نشدند - برجام را پذیرفتند اما
در ۱۴۰۰ مردم این تجربه را کرده‌اند و دیگر این مصלحت
در احیای برجام وجود ندارد.

بنابراین با وجود اینکه غربگرایان به دنبال احیای

فضاسازی همراه کردند. چنان فضایی ساختند که هر
کسی همراه نباشد، در خط اسرائیل است و دشمن ملت!
به قدری این فضاسازی سنگین بود که حتی برخی
شخصیت‌ها در فضای رسانه‌ای برای هیچ، تریک گفتند
و مجلس وقت به ریاست آقای لاریجانی برای تصویب
برجام فقط ۲۰ دقیقه زمان گذاشت. ۴- «جریان غربگرا»
برای تحقق این طراحی، «میانگه» در آثار وجودی برجام
و مضرات فقدان برجام را در دستور کار قرار داد و هر
روز تاخیر در اجرایی شدن برجام را معادل ۱۰۰ میلیون
دلار خسارت برای کشور عنوان کرد. ۵- «هبر انقلاب»
مقاوم بودند، پس بنا بود، ایشان وادار به نوشیدن جام زهر
شوند؛ با این استدلال که مردم که برجام را می‌خواهند،
شخصیت‌ها و نهادهای نظام نیز، مجلس و نیروهای مسلح
نیز؛ فقط اقلیتی تندرو و بدنام برجام را نمی‌خواهند و
شایسته نیست رهبری در سمت اقلیت بدنام بایستند
و مردم و شخصیت‌ها و نهادهای نظام را تنها بگذارند.
بنابراین «تطمیع» مردم، «ارباب» شخصیت‌ها،
«برجسب‌زنی و منزوی‌سازی» جریان انقلابی، «میانگه»
توسط جریان غربگرا و ایجاد «حساسی‌تهایی» رهبری،
مجموعه طرح‌هایی بود که راهبرد تحمیل برجام به نظام
و قالب کردن آن به مردم را محقق می‌کرد.

راهبرد امروز برای احیای برجام و تحمیل آن به
نظام و قالب کردن آن به مردم باز همان راهبرد است.
جریان غربگرا به موفقیت این راهبرد امیدوار است؛ هم
به دلیل تجربه موفق قبلی و هم به این دلیل که لحاظ
در سال ۱۴۰۰ با هنر مدیریت غربگرایان به لحاظ
معیشتی، محتاج‌ترند و نیازمندتر و از نگاه غربگرایان،
طبعاً تطمیع پذیرتر اما این راهبرد ابر است به دلیل
تفاوت‌های ۱۴۰۰ با ۱۳۹۴.

یادداشت حجت‌الاسلام حسن شجاعی*

بعد از روی کار آمدن دولت

پایدن دولت غربگرای حسن روحانی ذوق‌زدگی خویش
برای مذاکره با آمریکا و احیای برجام را با ارسال پیام‌های
رسانه‌ای و غیررسانه‌ای بروز داد. این اشتیاق از آن رو
است که دولت بی‌کارنامه و حتی «بدکارنامه» حسن
روحانی در انتهای عمر خویش، نیازمند پارچه‌های زینت
تا جسد ناکارآمدی جریان غربگرا را بپوشاند.
طبعاً با سابقه‌ای که از شروع امضای برجام تا امروز
در اذهان عمومی و ذهنیت نظام شکل گرفته و از برجام
فقط «تقریباً هیچ» نصیب مردم و نظام شده، احیای
برجام و قبول‌اندن دوباره آن کار ساده‌ای نخواهد بود. از
این رو غربگرایان باید برای احیای برجام و تحمیل آن به
نظام و قالب کردن آن به مردم، راهبردی داشته باشند.
از بررسی مجموعه مواضع و عملکرد غربگرایان
می‌توان فهمید راهبرد احیای برجام و تحمیل و قالب
کردن آن است. تجربه موفق امضای برجام و قبول‌اندن
آن به نظام و مردم به کام غربگرایان شیرین آمده و
اکنون چنین می‌پندارند با همان راهبرد، همان مقصود
حاصل خواهد شد غافل از آنکه این راهبرد برای احیای
برجام کارگر نخواهد افتاد.

در امضای برجام در سال ۹۴، راهبرد تحمیل برجام
به نظام و قالب کردن آن به مردم با چند طراحی برای
عناصر میدانی تحقق یافت. در این راستا: ۱- «مردم» را
«تطمیع» کردند که با برجام بهشت برای شما محقق
خواهد شد. ۲- «جریان انقلابی» را به عنوان مقاوم‌ترین
جریان، با «برجسب‌زنی و منزوی‌سازی» از میدان به در
کردند. ۳- شخصیت‌ها و نهادهای نظام را با «ارباب» و

درد شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

۱۰۰۰۲۲۳۱

پیامک خوانندگان